

# اثربخشی مشاوره گروهی بر روابط متعارض بین برادران و خواهران

محمود شهیدی

کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه خاتم

دکتر سیمین حسینیان

عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء (س)

دکتر باقر ثنائی ذاکر

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم

ثریا اعتمادی

کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه الزهراء (س)



## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان اثربخشی مشاوره گروهی با استفاده از تجارب باساختار بر روابط متعارض بین خواهران صورت گرفته است. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۲ نفر از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهر مشهد که دامنه سنی آنها بین ۱۴ تا ۱۶ سال بوده می‌باشد. از این سی و دو نفر تعداد ۱۶ نفر به صورت تصادفی در گروه آزمایشی و ۱۶ نفر در گروه کنترل جایگزین شدند. ملاک انتخاب برای قرار گرفتن در نمونه، نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه خواهر و برادر و پرسش‌نامه تاکتیک‌های رفع تعارض بوده است. متغیر مستقل در این پژوهش مشاوره گروهی با تکیه بر استفاده از تجارب باساختار بوده است. فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از: ۱- مشاوره گروهی بر کاهش روابط متعارض بین خواهران و برادران مؤثر است. ۲- میزان استفاده از تاکتیک‌های تعارض در بین خواهران و برادران شرکت‌کننده و شرکت نکرده در جلسات مشاوره‌ای متفاوت است. نتایج بررسی و آزمون فرضیه یک تفاوت معناداری ( $P < 2/042$ ) را بین

میانگین‌های گروه‌های آزمایشی و گواه نشان داده است. همچنین فرضیه دوم نیز تفاوت معناداری ( $P < ۶/۷۲$ ) را نشان داده است.

نتایج بررسی‌های فرضیه‌های فرعی از طریق آزمون شفه نیز تفاوت‌های معناداری را در مورد استفاده از شیوه‌های متفاوت تاکتیک‌های رفع تعارض بین دو گروه کنترل و آزمایش را نشان داده است.

استفاده از استدلال کلامی پس از برگزاری جلسات مشاوره گروهی افزایش معناداری ( $P < ۶/۵۳$ ) داشته و میزان استفاده از پرخاشگری فیزیکی ( $P < ۸/۳۱$ ) و کلامی کاهش معناداری ( $P < ۶/۴۲$ ) را داشته است.

واژه‌های کلیدی: تاکتیک‌های رفع تعارض، مشاوره گروهی، تعارض باساختار، هم‌والد

## مقدمه

خانواده چیزی بیشتر از مجموعه افرادی است که در یک فضای فیزیکی و روانشناختی با هم مشارکت دارند. خانواده را در اشکال گوناگون می‌توان دید که از ویژگی‌های یک سیستم اجتماعی - فرهنگی تبعیت می‌کند. در داخل چنین سیستمی افراد به وسیله حلقه‌های عاطفی قدرتمند، بادوام و متقابل به یکدیگر گره خورده‌اند. خانواده یک نظام<sup>(۱)</sup> اجتماعی و طبیعی است که دارای شرایط و مشخصات خاص خود می‌باشد. قواعد و اصولی که در خانواده توسط نظام آن ابداع می‌شود، نقش‌های اعضای آن را به طور متنوع تعیین می‌کند.

در هر خانواده‌ای و در نقش‌های ایجاد شده در آن یک ساخت قدرت هم وجود دارد. اعضای یک خانواده توسط علائق، دلبستگی‌های عاطفی قوی و طولانی مدت و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند. گاه ممکن است که از میزان شدت و یا نوع این علائق در طول زمان کاسته شود. اما اعضای خانواده در سراسر زندگی خود نیز به بقای زندگی خانوادگی اهمیت می‌دهند. ورود به این سیستم، صرفاً از طریق تولد، فرزندخواندگی یا ازدواج صورت می‌گیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲).

هر انسانی در طول زندگی خود تجربه گذران عمرش را در محیطی به نام خانواده همواره به یاد دارد. اتفاقات و جریاناتی که روند طبیعی رشد یک خانواده است کودکان و

فرزندان یک خانواده را هم درگیر خود کرده و این وقایع جزء خاطرات خوشایند یا ناخوشایند اکثر افراد تا مدت‌ها می‌ماند. این خاطرات کوتاه‌مدت و بلندمدت در محیط‌هایی چون خانه، مدرسه و اجتماع هم در افراد همان رفتارهایی را منجر می‌شود که او در برخورد و تعامل با سایرین اتخاذ کرده است. طبیعتاً اکثر فرزندان (خواهران و برادران) در یک خانواده مسائلی چون رقابت بر سر قدرت و کسب محبت، تثبیت جایگاه فرزندی خود و برخورداری از امتیازات بیشتر در خانواده و... را تجربه می‌کنند. خواهر و برادر غالباً اولین همبازیان هم هستند و این تعامل در قالب بازی کودکانه وسیله‌ای است که آنها بر هم تأثیر می‌گذارند. خواهران و برادران از هم تقلید می‌کنند و اغلب فرزندان کوچکتر از هم‌والد بزرگتر خود تقلید می‌کنند. از آنجا که برادرها و خواهرها اوقات بسیار زیادی از وقت‌شان را با هم و در کنار هم سپری می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار یک خواهر یا برادر بزرگتر بر کسب رفتارهای خاص مانند: همکاری، مشارکت و یا رفتارهای متضاد مانند پرخاشگری، داد و بیداد و آسیب رساندن به دیگران تأثیر خواهد داشت. روابط متقابل بین هم‌والدها و همچنین ورود والدین به این چرخه در طرفداری یا دخالت‌های سوگیرانه می‌تواند زمینه‌های ایجاد روابط و رفتارهای متعادل یا نامتعادل اجتماعی را در فرزندان تقریباً هم‌سن و سال پیش‌بینی نماید (دان و مان، ۱۹۸۶). خواهران و برادرها در خانواده اولین همتای همدیگر به‌شمار می‌آیند. آنها از الگوهای مراوده‌ای خاص خود برای مذاکره و مشاجره، همکاری و رقابت استفاده می‌کنند (مینوچین، ۱۳۸۱).

جایگاه فرزندان در خانواده و ترتیب تولد بر سبک زندگی او تأثیر مهمی دارد. برای مثال فرزند دوم یا میانی به احتمال زیاد سبک زندگی جاه‌طلبانه‌ای را اختیار می‌کند و می‌کوشد از برادر و خواهر بزرگترش جلو بیفتد. از دست دادن توجه و محبت تقسیم نشده توسط والدین در فرزندان بزرگتر خانواده‌ها احساس رنجش و نفرتی ایجاد می‌کند که بخشی از هم‌چشمی هم‌والدهاست (پروچاسکا، ۱۳۸۱). اکثر ناسازگاری‌های بین هم‌والدهای دارای اختلاف سنی کم در زمانی اتفاق افتاده است که یکی از فرزندان از سوی والدین دچار احساس طردشدگی شده است (دان و مان، ۱۹۸۶). بیشتر تعارضات بین خواهران و برادران ناشی از ائتلاف‌های والدین با هم یا با دخالت زیرمنظومه

فرزندان می‌باشد. بیشترین تعارضات موجود در میان فرزندان با هم ناشی از عدم درک متقابل به جبهه‌گیری و اعمال خشونت نسبت به هم می‌باشند (دوشن، ۲۰۰۴). پژوهش‌هایی موجود است که در آنها به بررسی روابط متعارض بین والدین و فرزندان پرداخته شده است. زابلی (۱۳۸۳) با استفاده از روش روان‌نمایشگری (سایکودراما<sup>(۱)</sup>) به بررسی بهبود روابط متعارض بین دختران جوان با مادران خود پرداخته است. وی در این پژوهش با استفاده از روش روان‌نمایشگری به آموزش مهارت‌های رفع تعارض پرداخته و با استفاده از دو گروه گواه و آزمایشی که تعداد ۸ نفر در هر گروه بوده‌اند، نتایج را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نتایج نهایی فرضیه‌های این پژوهش نشان دادند که آموزش مهارت‌های حل تعارض به همراه روش سایکودراما در بهبود یا کاهش میزان تعارض بین دختران جوان و مادران آنها به‌طور معناداری مؤثر است.

بکتاش (۱۳۸۴) به بررسی سودمندی گروه‌مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترها پرداخته است. وی در این بررسی که در آن مادران و دختران در جلسات مشاوره‌گروهی به‌صورت مواجهه شرکت نموده‌اند به تشریح روابط متقابل و عواطف آنها پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که گروه‌مواجهه در کاهش میزان تعارض بین مادران و دختران اثر مثبت و معناداری را داشته است.

دوشن (۲۰۰۴) در پژوهشی با استفاده از یک جلسه مشاوره‌گروهی به آموزش سه عنوان از متغیرهایی که به کاهش تعارضات و رقابت‌های ناسالم و خطرناک منجر می‌شود پرداخته و نتایج قابل قبولی را گزارش کرده است. بررسی داده‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون وی کاهش معناداری را از روابط آزمودنی‌ها با هم نشان داده است. او در جلسات درمانی خود سه مؤلفه را آموزش داده است:

- ۱- ارزشمندی انسان و احترام به دیدگاه‌های سایر انسان‌ها.
- ۲- شیوه‌های سازش و گفتگو به‌صورت درک متقابل.
- ۳- شیوه کنترل تکانه‌های پرخاشگری.

شرکت‌کنندگان در تحقیق وی را دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان که همگی آنها دختران یک مدرسه بودند و در خوابگاه شبانه‌روزی زندگی می‌کردند، تشکیل می‌دهند.

1. Psychodrama

موری (۲۰۰۲) در کار گروهی با هم‌والدهایی که اختلاف سنی آنها پنج سال بوده است و با هم رقابت‌های شدید و خشونت‌باری داشته‌اند، به آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی پرداخته و گزارش نموده است که کاربرد این مهارت‌ها موجب کاهش معناداری میان تعارضات هم‌والدها گردیده است. اهداف این پژوهش تعیین میزان تأثیر مشاوره گروهی در روابط نامطلوب (رقابت) و متعارض بین خواهران و برادران در خانواده و تعیین تاکتیک‌های رفع تعارض بین خواهران و برادران و استفاده از تاکتیک‌های غیرخشونت‌آمیز و صدمه‌رسان به جای تاکتیک‌های آسیب‌رسان پس از مشاوره گروهی است.

### فرضیه‌های اصلی

- ۱- مشاوره گروهی بر کاهش روابط متعارض بین خواهران و برادران مؤثر است.
- ۲- میزان استفاده از تاکتیک‌های تعارض در بین خواهران و برادران شرکت‌کننده و شرکت نکرده در جلسات مشاوره‌ای متفاوت است.

### فرضیه‌های فرعی

- ۱- مشاوره گروهی باعث افزایش میزان استفاده هم‌والدها از استدلال کلامی در جریان روابط متعارض با هم می‌شود.
- ۲- مشاوره گروهی باعث کاهش میزان استفاده هم‌والدها از پرخاشگری کلامی در جریان روابط متعارض با هم می‌شود.
- ۳- مشاوره گروهی باعث کاهش میزان استفاده هم‌والدها از پرخاشگری فیزیکی در جریان روابط متعارض با هم می‌شود.

### جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول مقطع متوسطه شهر مشهد که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ به تحصیل اشتغال دارند و دامنه سنی آنها بین ۱۵ سال تا ۱۶ سال و ۶ ماه می‌باشد.

محدوده سنی در نظر گرفته شده به این علت بوده است که به اندازه کافی از نظر سنی برای همبازی شدن با هم نزدیک بوده و احتمال کمتری وجود دارد که یکی از آنها دارای نقش مراقب یا شبه‌والدینی داشته باشد.

نمونه نهایی برای شرکت در جلسات مشاوره گروهی ابتدا به صورت خوشه‌ای تصادفی از میان مدارس شهر و در مرحله بعدی از میان دانش‌آموزان سال اول یک آموزشگاه از طریق تکمیل پرسش‌نامه انتخاب شده و سپس به صورت تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایشی تقسیم گردیدند. پس از تعیین تصادفی اعضای گروه‌های آزمایشی و کنترل تعداد ۸ نفر به طور تصادفی در هر گروه قرار داده شده است. مجموع نمونه با احتساب گروه گواه و آزمایشی ۳۲ نفر می‌باشد که ۱۶ نفر در گروه‌های آزمایشی و ۱۶ نفر در گروه‌های گواه یا کنترل قرار داده شده‌اند.

## ابزار پژوهش

پرسش‌نامه اطلاعات عمومی (محقق ساخته)

پرسش‌نامه اطلاعات فردی به منظور دریافت داده‌هایی برای تکمیل اطلاعات و شناخت دقیق‌تر از اعضای نمونه توسط پژوهشگر تدوین شده است. سؤالات این پرسش‌نامه به جنبه‌هایی مثل تعداد خواهر یا برادر، شغل والدین، میزان تحصیلات و... می‌پردازد.

پرسش‌نامه شاخص‌های روابط برادر و خواهری<sup>(۱)</sup>

شاخص‌های رابطه با برادر و رابطه با خواهر دو ابزار ۲۵ سؤالی است که برای اندازه‌گیری میزان یا شدت مشکلات مراجع در رابطه او با برادران و خواهران تدوین شده است (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۹).

مقیاس‌های تاکتیک‌های تعارض<sup>(۲)</sup>

مقیاس تاکتیک‌های تعارض یک ابزار ۱۵ سؤالی است که برای سنجش سه تاکتیک حل تعارض (استدلال<sup>(۳)</sup>، پرخاشگری کلامی<sup>(۴)</sup> و خشونت<sup>(۵)</sup>) بین اعضای خانواده تدوین شده است. شاید مقیاس تاکتیک‌های تعارض بیش از هر مقیاس دیگر برای سنجش تعارض خانواده، مورد استفاده قرار گرفته است (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۹).

1. Index of Brother and Sister Relations (IBR and ISR)
2. Conflict Tactics Scales (CTS)
3. reasoning
4. verbal aggression
5. violence

جدول ۱ - ضریب پایایی خرده‌مقیاس‌ها و ضریب کل پرسش‌نامه  
مقیاس‌های تاکتیک‌های تعارض

بخش خودم		بخش برادر یا خواهرم	
۰/۴۸	استدلال	۰/۵۶	استدلال
۰/۶۱	پرخاشگری کلامی	۰/۶۷	پرخاشگری کلامی
۰/۶۹	خشونت	۰/۷۲	خشونت
۰/۷۵	کل	۰/۷۹	کل

### روش اجرای پژوهش

در این پژوهش با توجه به مواردی که ذکر شد از روش نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها (پیش‌آزمون) که توسط پژوهشگر نمره‌گذاری شده و پس از تعیین نقطه برش ۱۶ نفر از دانش‌آموزانی که در هر آموزشگاه بالاترین نمرات را داشتند به‌عنوان نمونه جهت شرکت در جلسات مشاوره گروهی انتخاب شدند.

محتوی جلسات مشاوره گروهی با توجه به پیشینه و میانی نظری پژوهش را موضوعات مهارت‌های ارتباطی و شیوه‌های ارتباط مؤثر و بیان برخوردها و تعارضات بین هم‌والدها با کمک از تجارب باساختار در تعلیم روابط انسانی تشکیل داده‌اند. هدف از تجارب بین‌الاشخصی کمک به اشخاص برای کشف، درک و بهبود بخشیدن به روابط خود با دیگران است. این تجارب معطوف به خود اجتماعی و روابط انسانی است. محور آنها تعامل بین‌الاشخاصی و تأکید بر این دسته خصوصیات ارتباطی به‌منظور بهبود بخشیدن به ارتباط‌های مؤثر، پیشبرد برخوردهای انسانی با معنا و تسهیل شیوه‌های رضای نیازهای روانی - اجتماعی است (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۴).

هدف‌های بلندمدت برای ۶ شش جلسه مشاوره گروهی چنین بیان شده است:

- ۱- دستیابی به قدرت انجام رقابت، همکاری و حل تعارض با خواهر / برادر یا همسالان به‌طور مقتضی.
- ۲- ایجاد مکانیزم‌های سالم برای کنترل اضطراب، تنش، ناکامی و عصبانیت.

۳- به دست آوردن مهارت‌های لازم برای بنا کردن یک ارتباط دوستی مثبت.

۴- محصور نمودن رفتارهای پرخاشگرانه در حد و مرزهای اجتماعی قابل قبول.

۵- ایجاد رابطه‌ی خواهر / برادرانه قابل اطمینان.

برای روشن شدن مطالب ارائه شده در جلسات مشاوره‌ی گروهی به بیان مختصر جریان جلسات می‌پردازیم:

#### جلسه اول:

در جلسه اول اعضاء شیوه کار را آموختند. در این جلسه پس از طرح کلی مشاوره گروهی و اهداف آن از اعضاء خواسته شد تا در مورد موضوعات مطرح شده در جلسه مشاوره گروهی توجه و دقت بیشتری نمایند. همچنین اعضاء توسط رهبر گروه با برخی از ویژگی‌های دوران نوجوانی، رقابت بین هم‌والدهای خود تعامل و مراودات بین اعضاء خانواده با هم، آشنایی کافی پیدا نمودند.

#### جلسه دوم:

در این جلسه از همه اعضاء خواسته شد تا اتفاقات، جریانات، احساسات و رفتارهای متعارض و آسیب‌زا بین خود و هم‌والد خود را شرح دهند که تقریباً تمام اعضاء گروه به بیان رفتارهای خود در خانواده پرداختند و سایر اعضاء نیز شنونده موضوعات مطرح شده بودند. از این طریق آشنایی با مشکل و همچنین آشنایی کامل اعضاء از مشکلات هم کاملاً روشن شده و باعث همبستگی اعضاء برای ادامه جلسات آینده گردید.

#### جلسه سوم:

یکی از مقوله‌هایی که در این پژوهش به عنوان مداخله درمانی مد نظر بوده، آموزش ارتبا مؤثر و ویژگی‌های آن و چگونگی برقراری ارتباط دوطرفه (دوجانبه) از سوی هم‌والدها می‌باشد. برای دست یافتن به این هدف پس از شنیدن نظرات گروه، با استفاده از تجربه باساختار «ارتباط یک جانبه و دو جانبه» که هدف اصلی آن آموزش برقراری ارتباط دو جانبه و کاربرد عملی آن و بررسی کاربرد ارتباط در خانواده، اجتماع و محیط کار است، فعالیت این جلسه آغاز گردید.



پس از اتمام اجرای عملی تجربه باساختار مورد نظر افراد به بیان احساسات و آموخته‌های مفید این جلسه پرداخته و در یک بازنگری کلی اکثر اعضا اظهار داشته‌اند که در گذشته این قبیل ارتباط‌ها را در خانواده‌ها و به خصوص در مورد هم‌والد خود اجرا نمی‌کرده و دائماً با روش‌های غلط ارتباطی با هم مرادده داشته‌اند.

#### جلسه چهارم:

با تأکید بر اهداف گروه موضوع دیگری از تجارب باساختار با عنوان «تحسین، رد و بدل کرن بازخورد مثبت» به اعضا آموخته شد. اهداف این تجربه باساختار عبارتند از: ۱- کسب خودآگاهی نسبت به موقعیت خود ۲- تمرین تأکید کردن دیگران در جمع ۳- شناخت و اکتش خود نسبت به تأیید دیگران پس از پایان آموزش. اعضا نظرات‌شان را نسبت به آموخته‌ها و شیوه‌های کاربرد آن در خانواده و به خصوص در ارتباط با رقابت‌های بین هم‌والدهای خو بحث نمودند. رهبر گروه با توجه به اهداف مورد نظر هدایت جلسه را بر عهده داشت.

#### جلسه پنجم:

در این جلسه همانند سایر جلسات، ابتدا به بررسی نحوه اجرا و کاربرد آموخته‌های جلسه قبل در محیط خانواده پرداخته شد. نکته قابل توجه این است که اعضا در این جلسه بسیار مشتاق بودند که نتایج کاری گروه دیگر را هم بدانند زیرا در دو گروه ۳ جفت خواهر و برادر شرکت داشتند که بیان نتایج آموخته‌ها و جلسات مشاوره گروهی برای سایرین بسیار ارزشمند بود. با بیان تجربیات هم‌والدها و سایر اعضا و نتایج چند هفته گذشته و باز با توجه به اهداف گروه موضوعی از تجارب باساختار با عنوان «مبادله قدرت و محبت، در میان گذاشتن احساسات» مورد استفاده قرار گرفت. اهداف این تجربه عبارتند از: ۱- ایجاد فرصت ابراز احساسات متقابل ۲- کاوش در احساس اعضا نسبت به قدرت و محبت در قالب اعضا یک خانواده و فرزندان.

#### جلسه ششم:

آخرین جلسه گروه با بررسی موارد مطرح شده در جلسات قبل و جمع‌بندی نهایی فعالیت ۳ هفته‌ای گروه آغاز گردید. بازخوردهای اعضا از کار گروه بیان شده و نقاط قوت و نیازهای اعضا بیان گردید.

## یافته‌های پژوهش

ابتدا به ارائه یافته‌های توصیفی می‌پردازیم:

جدول شماره ۲ میانگین‌ها و انحراف استاندارد افراد نمونه را در هر دو گروه آزمایشی و کنترل پس از اجرای پیش‌آزمون به تفکیک جنسیت نشان داده است.

جدول شماره ۲- مقایسه مقادیر توصیفی مربوط به اجرای پیش‌آزمون  
پرسش‌نامه شاخص روابط خواهر / برادر

گروه‌ها	پسران (گروه آزمایشی)	پسران (گروه کنترل)	دختران (گروه آزمایشی)	دختران (گروه کنترل)	جمع
تعداد	۸	۸	۸	۸	۳۲
میانگین	۵۴/۱۲	۵۳/۶۲	۵۳/۲۵	۵۳	۵۳/۵۰
انحراف استاندارد	۲/۵۶	۴/۹۵	۵/۳۴	۴/۵۳	—

با توجه به نتایج جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود که بین میانگین‌های گروه‌های آزمایشی و کنترل تفاوت چندانی در پیش‌آزمون وجود ندارد. میانگین کل نمونه (آزمایشی و کنترل) ۵۳/۵۰ بوده که بر اساس نمرات پرسش‌نامه تعارض هم‌والدها در سطوح بالایی است.

جدول شماره ۳- مقایسه مقادیر توصیفی مربوط به اجرای پس‌آزمون  
پرسش‌نامه شاخص روابط خواهر / برادر

گروه‌ها	پسران (گروه آزمایشی)	پسران (گروه کنترل)	دختران (گروه آزمایشی)	دختران (گروه کنترل)	جمع
تعداد	۸	۸	۸	۸	۳۲
میانگین	۴۱/۲۲	۵۲/۴۲	۳۹/۳۴	۵۲/۵	۴۶/۳۷
انحراف استاندارد	۲/۴۳	۴/۳۵	۳/۲۶	۴/۴۸	—

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ که پس از اجرای پس‌آزمون به دست آمده است، کاهش بین اندازه میانگین‌های گروه آزمایشی و گروه کنترل در هر دو جنسیت، مشاهده می‌شود. برای آزمون معناداری این نتایج لازم است که از آزمون‌های آماری استفاده شود.

در جدول شماره ۴ به صورت توصیفی زیر مقیاس‌های پرسش‌نامه تاکتیک‌های تعارض در دو آزمون پس‌آزمون و پیش‌آزمون نمایش داده شده است.

جدول شماره ۴ - میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروه‌های آزمایشی مربوط به عملکرد برادر یا خواهر در سه مقیاس پرسش‌نامه تاکتیک‌های تعارض

پس‌آزمون		پیش‌آزمون			
دختران (آزمایشی)	پسران (آزمایشی)	دختران (آزمایشی)	پسران (آزمایشی)	گروه	
۸	۸	۸	۸	تعداد	
۱۴/۳۵	۱۵/۴۰	۱۱/۵	۱۲	استدلال کلامی	میانگین
۶/۵۰	۷/۸۵	۹/۴۰	۱۰/۷۴	پرخاشگری کلامی	
۲/۷۵	۵/۳۵	۷/۴۳	۹/۳۵	پرخاشگری فیزیکی	
۴/۱۲	۳/۸۵	۳/۹	۴/۷	استدلال کلامی	انحراف استاندارد
۲/۲۸	۳/۲۰	۲/۱۸	۳/۲۷	پرخاشگری کلامی	
۳/۵۸	۵/۰۵	۳/۲۴	۵/۲۵	پرخاشگری فیزیکی	

فرضیه اول: مشاوره گروهی بر کاهش روابط متعارض بین خواهران و برادران مؤثر است. برای آزمون فرضیه اول این پژوهش که برای سنجش میزان تعارض آن از پرسش‌نامه شاخص روابط برادر / خواهر هم در پیش‌آزمون و هم در پس‌آزمون استفاده شده است، ابتدا میانگین‌های هر دو گروه را در پیش‌آزمون و قبل از انجام مداخله با هم مقایسه کرده و نتیجه آزمون ۱ آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۵ - آزمون ۱ برای معناداری میانگین نمرات دو گروه در پیش‌آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t	سطح معناداری
آزمایش	۱۶	۵۳/۶۸	۳/۰۹	۳۰	۰/۱۳۶	۰/۰۵
کنترل	۱۶	۵۳/۳۱	۳/۶۰			۲/۰۴۲

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که چون t محاسبه شده ۰/۱۳۶ با سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر از سطح ۰/۰۵ (۲/۰۴۲) است، لذا فرض صفر رد نمی‌شود و

می‌توان چنین اظهار نمود و نتیجه گرفت که بین میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود نداشته است. در ادامه برای بررسی تأثیر مشاوره گروهی و موضوعات مطرح شده در جلسات و پس‌اجرای پرسش‌نامه شاخص روابط برادر / خواهر به‌عنوان پس‌آزمون، ابتدا تفاضل میانگین‌های هر دو گروه آزمایش و کنترل محاسبه شده و سپس تحت آزمون مورد ۱ آزمون قرار گرفتند.

جدول ۶ - آزمون ۱ برای معناداری میانگین نمرات دو گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t	سطح معناداری
آزمایش	۱۶	۴۱/۲۶	۴/۱۶	۳۰	۱۴/۲۷۱	۰/۰۵
کنترل	۱۶	۳۷/۵۸	۳/۵۲			

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که چون ۱ محاسبه شده (۱۴/۲۷۱) با سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگتر از سطح ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر رد می‌شود و می‌توان چنین اظهار نمود که بین میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنادار وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول تأیید می‌شود. به عبارت دیگر می‌توانیم با اطمینان ۹۵٪ بگوییم که جلسات مشاوره گروهی که برای گروه آزمایش (دختران و پسران) برگزار شده موجب کاهش نمرات پرسش‌نامه شاخص روابط خواهر / برادر شده است. با رد فرض صفر در این قسمت می‌توانیم عنوان کنیم که روابط متعارض بین برادران و خواهران شرکت‌کننده در مشاوره‌های گروهی (آزمایشی) در مقایسه با افراد شرکت نکرده (کنترل) بسیار بهتر شده است.

فرضیه دوم: میزان استفاده از تاکتیک‌های تعارض در بین خواهران و برادران شرکت‌کننده و شرکت نکرده در جلسات مشاوره‌ای متفاوت است.

به‌منظور آزمون فرضیه دوم که مربوط است به شیوه‌ها و تاکتیک‌های تعارض بین هم‌والدها، پس از آموزش شیوه‌های مورد نظر در جلسات مشاوره گروهی با استفاده از آزمون آماری ۱ برای گروه‌های مستقل سعی شده است تا تفاوت میانگین‌های هر دو گروه را در پیش‌آزمون و پس‌آزمون بررسی نماییم. در این قسمت نمره کل هر فرد در پرسش‌نامه تاکتیک‌های تعارض مد نظر است.

جدول شماره ۷ - تحلیل واریانس عاملی نمرات دو گروه در قسمت عملکرد خواهر یا برادر

F	Ms	Ss	df	منابع تغییرات
۷/۳۱	۵۵/۳۳	۱۱۰/۶۷	۲	بین گروه‌ها
	۷/۵۷	۹۸/۴۸	۱۳	درون گروه‌ها
۰/۰۱	—	۲۰۹/۱۵	۱۵	جمع

با توجه به نتایج جدول شماره ۷ و مقایسه م F با ب F می‌توان چنین نتیجه گرفت که چون مقدار م F (۷/۳۱) با سطح اطمینان ۹۹٪ از مقدار ب F (۳/۷۶) بزرگتر است، بنابراین فرض صفر در مورد این فرضیه رد می‌شود. نتیجه‌گیری این‌که تغییر و کاهش (تفاوت) در استفاده از تاکتیک‌های متعارض بین دو گروه آزمایشی و کنترل از نظر آماری معنادار بوده و مشاوره گروهی مورد نظر در این تفاوت معنادار مؤثر بوده است. بدین ترتیب فرضیه دوم نیز پذیرفته شده و تأکیدی بر مؤثر بودن این مداخله در قالب مشاوره گروهی می‌باشد.

برای مقایسه تفاوت بین میانگین زیرمقیاس‌ها و بررسی فرضیه‌های فرعی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است، که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره ۸ - نتایج آزمون شفه برای سنجش تفاوت میانگین‌های زیرمقیاس‌های تاکتیک‌های متعارض

سطح معناداری	دختران		پسران		جفت
	خطای استاندارد میانگین	تفاوت میانگین	خطای استاندارد میانگین	تفاوت میانگین	منفی‌ها/شاخص
۰/۰۵	۱/۷۱	۷/۳۷*	۱/۹۲	۶/۵۳*	استدلال کلامی گروه آزمایش و کنترل
۰/۰۱	۱/۷۸	۶/۷۱*	۱/۸۵	۶/۴۲*	پرخاشگری کلامی گروه آزمایش و کنترل
۰/۰۱	۱/۶۲	۸/۴۲*	۱/۷۴	۸/۳۱*	پرخاشگری فیزیکی گروه آزمایشی و کنترل

\* تفاوت میانگین‌ها در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

با توجه به میانگین جدول شماره ۸ فرضیه‌های فرعی پژوهشی که بیان شده‌اند مورد تأیید قرار می‌گیرند و با احتمال ۹۵٪ اطمینان می‌توانیم فرض صفر را در این فرضیه رد کنیم. در مورد فرضیه اول می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که مشاوره گروهی در این پژوهش باعث افزایش معناداری در استفاده شرکت‌کنندگان از تاکتیک استدلال کلامی در جریان تعارضات خود با هم‌والد خود شده است این تفاوت معنادار هم در گروه آزمایشی پسران با گروه کنترل پسران و هم در گروه‌های گواه و کنترل دختران مشاهده می‌شود.

در مورد فرضیه‌های دوم و سوم نیز می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت میانگین‌ها در آزمون شفه که به صورت منفی گزارش شده است در سطح ۰/۰۱ تفاوت معناداری را گزارش می‌کند می‌توان فرض صفر را با اطمینان در مورد ۹۹٪ این دو فرضیه رد کرد. با رد فرض صفر و تأیید فرضیه‌های پژوهش چنین استنباط می‌شود که مشاوره گروهی در این پژوهش باعث کاهش معناداری در میزان استفاده شرکت‌کنندگان از تاکتیک‌های پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی شده است.

نکته قابل تأمل و توجه این است که با افزایش میزان استفاده از استدلال کلامی در تعارضات، میزان استفاده از پرخاشگری کلامی و سپس استفاده از پرخاشگری فیزیکی به‌طور معناداری کاهش پیدا می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مشاوره گروهی بر روابط متعارض و همچنین تاکتیک‌های رفع تعارض بین هم‌والدها صورت گرفته است. نتایج مطالعات و بررسی‌های پژوهشگر در مابانی نظری و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پدیده تعارض بین خواهران و برادران در خانواده‌هایی که دارای فرزندان با فاصله سنی کمتر از ۵ سال دارند به وضوح دیده می‌شود. احساس بزرگی و جانشینی برای والد بودن در فرزندان بزرگتر و همچنین توجه خاص والدین به آنها باعث می‌شود تا با تولد فرزند دوم (چه دختر یا پسر) رقابت برای به‌دست آوردن جایگاه قدرت در بین آنها شدت پیدا کند. کسب محبت بیشتر والدین و دریافت توجه آنان به‌سوی خود از انگیزه‌های اصلی فرزندان برای رقابت با همشیرهای خود است. در این میان طرد هر کدام از فرزندان توسط والدین می‌تواند شدت و کیفیت رفتارهای متعارض را در فرزندان تعیین نماید.

اکثر والدین خواسته و ناخواسته از فرزندان خود طرفداری می‌کنند و این طرفداری از یک فرزند به صورت رفتارهای کلامی و غیرکلامی باعث ایجاد احساس طرد شدگی توسط فرزندان کوچکتر یا بزرگتر می‌گردد.

این پژوهش سعی داشته تا با بررسی این جریان در میان فرزندان و خانواده‌ها نشان دهد که از طریق اجرای یک برنامه مدون مشاوره گروهی با تأکید به موضوعات خاصی می‌تواند احساسات و رفتارهای متعارض بین هم‌والدها را تحت تأثیر قرار داده و آنها را متعادل نماید. این پژوهش به روی نمونه ۱۶ نفری در دو گروه پسران و دختران به اجرا درآمده است گروه آزمایشی هم طی ۲ ماه، در معرض ۶ جلسه مشاوره گروهی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری پس از اجرای پژوهش و پس‌آزمون در تمام فرضیه‌ها تأکید فرض صفر را در بر داشته است. نتایج حاصله را در موارد زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فرضیه اول: این پژوهش که با رد فرض صفر همراه بوده است ( $P < 0/05$ ) نشان می‌دهد که مشاوره گروهی صورت گرفته، توانسته است در مورد گروه شرکت‌کننده (آزمایش) در مقایسه با گروه‌های شرکت نکرده (کنترل) تفاوت معناداری ایجاد نماید. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های دوشن<sup>(۱)</sup> (۲۰۰۴) موری (۲۰۰۲) همسو است و نتایج به‌دست آمده را حمایت می‌کند. همچنین در این راستا تحقیقات بکتاش (۱۳۸۴) که موضوعاتی شبیه به این پژوهش اما با شیوه‌های متفاوت و نمونه‌های متفاوت انجام داده‌اند هم مورد حمایت قرار می‌گیرد.

رد فرض صفر در این فرضیه تأثیر مشاوره گروهی با استفاده از تجارب باساختار با مفهوم مهارت‌های ارتباطی بوده که در جلسات به آزمودنی‌ها آموزش داده شده است. در بررسی‌های دوشن و موری نیز یکی از متغیرهایی که مد نظر بوده مهارت‌های ارتباطی بوده است. افزایش اطلاعات و آموزش اعضای خانواده به خصوص هم‌والدها که با هم دچار تعارض می‌باشند، در زمینه‌های مهارت‌های ارتباطی مؤثر می‌تواند رقابت بین آنها را کاهش داده و الگوهای ارتباطی خانواده را بهبود بخشیده و میزان تنش و تعارضات را کاهش دهد. مهارت‌های به‌کار گرفته در این بررسی ارتباط دوسویه و بدون سوگیری را میان هم‌والدها با هم و سایر اعضای خانواده ایجاد می‌کند. استفاده برادران و

خواهران از روابط دوجانبه توأم با همدلی در زمان ایجاد مشکل با هم، والدین را نیز تحت تأثیر گذاشته و آنها را نیز در سوگیری‌های خود نسبت به فرزند ناکام می‌کند. فرضیه دوم: تاکتیک‌های رفع تعارض در بین خواهران و برادران شرکت‌کننده و شرکت نکرده در جلسات مشاوره‌ای متفاوت است. در این فرضیه با توجه نتایج به دست آمده از تحلیل واریانس ( $P < 0/05$ ) فرض صفر رد شده است و این بدین معناست که تاکتیک‌های رفع تعارض که مورد استفاده گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل به طور معناداری متفاوت بوده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های زابلی (۱۳۸۳) به دلیل استفاده از پرسش‌نامه‌های شبیه به ابزار به کار گرفته همسو است و حمایت می‌شود. اما نتایج پژوهش‌هایی که کاملاً شبیه به این پژوهش باشد توسط پژوهشگر یافت نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است.

نتایج پژوهش زابلی (۱۳۸۳) شبیه‌ترین نتایج به پژوهش حاضر است فرضیه‌های فرعی در مورد استفاده هم‌والدها از شیوه‌های متفاوت تاکتیک‌های رفع تعارض که در این پژوهش استدلال کلامی، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی بوده است نیز مورد آزمون قرار گرفته‌اند. برای دریافت میزان اثرات مشاوره گروهی بر هر کدام از سه زیرمقیاس پرسشنامه تعارض، پس از به دست آوردن میانگین و انحراف استانداردهای هر گروه در هر کدام از زیرمقیاس‌ها آنها را در قالب سه فرضیه فرعی مورد آزمون قرار داده تا بتوانیم در رد یا تأیید آنها اقدام نماییم.

فرضیه فرعی اول که در مورد میزان افزایش استفاده فرد از استدلال کلامی در رفع تعارضات آنها می‌باشد با احتمال ۹۵٪ ( $P < 0/05$ ) اطمینان صفر رد شد، و مفهوم آن این است که جلسات مشاوره گروهی در افزایش استفاده از استدلال کلامی مؤثر بوده و تفاوت معناداری را ایجاد کرده است. هرچه میزان استفاده از استدلال‌های کلامی در رفع تعارضات بیشتر باشد طبیعتاً استفاده از سایر تاکتیک‌های رفع تعارض که گونه‌ای از پرخاشگری هم در آن دخالت دارد کاسته می‌شود. یکی از اهداف عمده در سنجش تاکتیک‌های تعارض هم همین نکته بوده و این یافته را پژوهش زابلی (۱۳۸۳) که در مورد دختران و مادران انجام داده است حمایت می‌نماید.

فرضیه‌های فرعی دوم و سوم نیز در مورد میزان کاهش استفاده از تاکتیک‌های خشونت کلامی و پرخاشگری فیزیکی بوده که در فرضیه دوم نتایج با احتمال ۹۹٪ ( $P < 0/01$ ) فرض



صفر را رد کرده و اهداف مورد انتظار مشاوره گروهی را برآورده نموده است و موضوعات مطرح شده در این جلسات توانسته است به اندازه کافی پرخاشگری کلامی گروه آزمایش را کاهش دهد. در خصوص فرضیه سوم نیز نتایج با احتمال  $99\% (P < 0/01)$  فرض صفر را رد کرده تا به یکی از اهداف این پژوهش برسیم. یافته‌های فرضیه‌های دوم و سوم با نتایج پژوهش زابلی (۱۳۸۳) همسو است و کاملاً حمایت می‌شود.

بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که افزایش استفاده از تاکتیک استدلال کلامی در تعارضات میان هم‌والدها ضمن آرام کردن محیط خانواده، محبت و همبستگی و پیوستگی میان خواهران و برادران با هم و با سایر اعضای خانواده را هم گسترش می‌دهد. عدم استفاده یا استفاده اندک از سایر تاکتیک‌های صدمه‌رسان پدیده رقابت میان هم‌والدها را کاهش داده است. بررسی پدیده رقابت بین هم‌والدها و آگاهی از چگونگی غلبه بر این احساسات و رفتارها در جلسات باعث گردید که آنها ضمن تأکید بر تاکتیک استدلال کلامی، از سایر تاکتیک‌های صدمه‌رسان کمتر استفاده نمایند. برقراری روابط سالم و بدون سوگیری میان خواهران و برادران و استفاده از تبادلات کلامی و رفع مشکلات از طریق گفتگوی دوطرفه در این بررسی مورد تأکید است و محیط خانواده و روابط را سالم‌تر نموده و در نتیجه سطح بهداشت روانی خانواده را افزایش می‌دهد. با توجه و دقت در یافته‌های این بررسی می‌توانیم از آنها نهایت استفاده را در مداخلات درمانی نموده و همچنین زمینه‌های پژوهش‌های دیگری را طرح‌ریزی نمود. هر طرح پژوهشی باید در پایان کار بتواند پیشنهادات کاربردی و عملی برای محقق و همچنین خوانندگان و دست‌اندرکاران امور، ایجاد نماید. یافته‌های حاصل از این پژوهش را در موارد زیر می‌توان مورد استفاده قرار داد.

۱- از جلسات مشاوره گروهی با این موضوع می‌توان در مراکز و کلینیک‌های مشاوره و دوره‌های درمانی خانواده‌ها استفاده کرد. خانواده‌های دارای فرزندان با اختلاف سنی تا ۴ سال معمولاً دچار این پدیده در بین فرزندان با هم یا با والدین خود می‌باشند. ارجاع فرزندان این خانواده‌ها به جلسات مشاوره گروهی در روند درمان خانواده‌ها نقش مؤثری دارد.

۲- از نتایج این پژوهش می‌توان جهت تعیین سرفصل‌ها و موضوعات کلاس‌های آموزش خانواده ویژه والدین که در مراکز فرهنگی و مشاوره‌ای و همچنین

۳- برگزاری جلسات مشاوره گروهی به منظور رفع تعارض و آموزش روابط بین فردی که در قالب تجارب باساختار در این پژوهش به کار گرفته شده در مدارس دوره راهنمایی و متوسطه.

۴- نتایج آماری و تجربی در این پژوهش نشان می‌دهد که تعارض بین هم‌والدها به عنوان یک پدیده قابل رویت و مؤثر در مسائل بین والدین و سایر اعضای خانواده محسوب شده که ممکن است تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کرده باشد. از این رو توصیه می‌شود این شیوه در تمام مؤسسات فرهنگی، مدارس و مراکز مشاوره مد نظر باشد.

### منابع

- بکتاش، م. (۱۳۸۴). اثر گروه مواجهه در حل تعارض مادرها و دخترهای ۱۶ - ۱۵ ساله تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خاتم تهران.
- پروچاسکا، ج. او. و نورکراس، ج. سی. (۱۳۸۱). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه ی، سیدمحمدی. تهران: انتشارات رشد.
- ثنائی ذاکر، ب. و دیگران. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- ثنائی ذاکر، ب. (۱۳۷۴). تجارب باساختار در مشاوره گروهی و تعلیم روابط انسانی. تهران: انتشارات نهضت.
- زابلی، پ. (۱۳۸۳). سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خاتم تهران.
- گلدنبرگ، ا. و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۲). خانواده‌درمانی. ترجمه ح. ر. شاهی برواتی و س. نقش‌بندی، تهران: نشر روان.
- مینوچین، س. و فیشمن، اچ. ج. (۱۳۸۱). فنون خانواده‌درمانی ترجمه ف. بهاری و ف. سیا. تهران: انتشارات رشد.

Dowshen, S. (2004). Sibling rivalry. <http://kidshealth.org>

Dunn, J. & Munn, P. (1986). Siblings and the development of prosocial behaviour. *International Journal of Behavioral Development*, 9, 625-284.

Murray, B. (2002). Monitor on psycholog Mix of sibling and parental conflict helps explain aggression in boys. Volume 31, No. 2, February. <http://www.apa.org>